لانگ شات

«مطرب» به ارشاد رفت

کارگردان چهارراه استانبول این روزها فیلم «مطرب» را با بازی پرویز پرستویی در دست تولید دارد.

به گزارش سینماپرس، مصطفی کیایی، کارگردان سینما درباره جدیدترین فیلمش-مطرب-گفت: در حال طی کردن آخرین مراحل فنی این فیلم هستیم و آن را برای گرفتن پروانه نمایش به ارشاد داده‌ایم تا پس از اخذ پروانه، برنامه‌ریزی را برای اکران آن آغاز کنیم.

کیایی گفت: این فیلم یك کمدی اجتماعی است که فضای مفرحی مثل اکثر کارهای من دارد، اما کمی شاد و شنگول‌تر از سایر کارهای طنز من است. کیایی درباره دنباله‌سازی برای کارهای موفق سینمایی و تکرار موفقیت آنها گفت: اهل ساختن دنباله برای کارهایم نیستم. اگر فیلمی خوب باشد به موفقیتش قناعت می‌کنم و دنباله‌سازی را دوست ندارم.

«بی‌وزنی» همچنان در انتظار پروانه نمایش

مهدی فردقادری، کارگردان فیلم سینمایی «بی‌وزنی» از انتظار دریافت پروانه نمایش فیلمش و تلاش برای اکران تابستانی خبر داد. به گزارش سینماپرس، مهدی فردقادری کارگردان فیلم سینمایی بی‌وزنی درباره آخرین وضعیت اکران فیلمش به صبا عنوان کرد: در حال حاضر همچنان در انتظار دریافت پروانه نمایش هستیم، زیرا هنوز پروانه آن آماده نشده است.

او درباره دلیل تاخیر صدور پروانه نمایش فیلمش عنوان کرد: سؤال من هم این است که به چه دلیل فرآیند دریافت پروانه ساخت و نمایش این میزان طولانی می‌شود و امیدوارم مسؤولان زودتر فیلم را ببینند و ما بتوانیم آن را اکران کنیم. فردقادری درباره زمان اکران احتمالی فیلم گفت: فکر می‌کردیم مسؤولان ارشاد، فیلم را زودتر خواهند دید و به همین دلیل خبر اکران آن را منتشر کردیم، ولی هنوز فیلم را ندیده‌اند. با توجه به این‌که هدایت فیلم پخش‌کننده فیلم است اگر مجوز اکران را دریافت کنیم، اواخر تابستان یا اوایل مهر فیلم را اکران خواهیم کرد. امیرعلی دانایی، بهاره کیان‌افشار، نسیم ادبی، یاسر جعفری، جلال فاطمی، سپیده مرادپور و تینا پاکروان در بی‌وزنی به ایفای نقش می‌پردازند.

خاطره‌بازی با پشت‌صحنه «گاو»

«گاو» ساخته داریوش مهرجویی یکی از فیلم‌های سینمای ایران است که چند دهه از ساخت آن می‌گذرد و علاقه‌مندان بسیاری دارد. حالا گروه سینمایی هنر و تجربه برنامه‌ای را تحت عنوان «تابستانه» باشگاه هنر و تجربه برگزار می‌کند و در اولین بخش این رویداد پشت صحنه فیلم گاو را به نمایش خواهد گذاشت.

این برنامه چهارشنبه ۱۹ تیر همزمان در شهرهای تهران، شیراز و اصفهان برگزار می‌شود. در برپایی این برنامه فیلمخانه ملی ایران به مدیریت لادن طاهری همراهی و مشارکت داشته است. سالن شماره یك پردیس چارسو چهارشنبه ۱۹ تیر ساعت ۲۰ میزبان نمایش پشت‌صحنه فیلم گاو است و در این برنامه که به مناسبت پنجاهمین سال ساخت فیلم گاو به کارگردانی داریوش مهرجویی برگزار می‌شود، هوشنگ گلمکانی و علیرضا محمودی به سخنرانی می‌پردازند. نمایش این فیلم در مجموعه هنر شهر آفتاب شیراز ساعت ۲۰ و در پردیس سیتی‌سنتر اصفهان ساعت ۱۹ چهارشنبه ۱۹ تیر است. مهرجویی فیلم گاو را در سال ۱۳۴۸ بر اساس داستان «عزاداران بیل» به نویسندگی غلامحسین ساعدی کارگردانی کرد. در این فیلم که از آثار موج نوی سینمای ایران محسوب می‌شود، گروهی از بازیگران تئاتر آن سال‌ها مقابل دوربین قرار گرفتند؛ بازیگرانی چون عزت‌ا... انتظامی، علی نصیریان، جعفر والی، جمشید مشایخی، پرویز فنی‌زاده، محمود دولت‌آبادی و ....

ورود عموم علاقه‌مندان به برنامه باشگاه «هنر و تجربه» رایگان است. دیگر فیلم‌های اولین برنامه نمایش «تابستانه» باشگاه فیلم هنر و تجربه متعاقبا اعلام می‌شود.

مستند زندگی «ویلیام فاکنر» کلید خورد

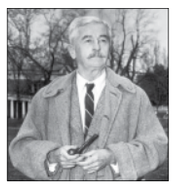

طرح ساخت مستند زندگی «ویلیام فاکنر» نویسنده برنده نوبل ادبیات در محل زندگی‌اش در شهر آکسفورد ایالت می‌سی‌سی‌پی آمریکا آغاز شد.

به گزارش ایسنا، این مستند تاریخی با عنوان «گذشته هرگز نمی‌میرد: داستان ویلیام فاکنر» در خانه این نویسنده مطرح آمریکایی در شهر آکسفورد و همچنین شهر «واترولی» ایالت می‌سی‌سی‌پی و چند مکان معروف طی مدت ده روز فیلمبرداری می‌شود و شامل مصاحبه، تصاویر آرشیوی و البته بازسازی لحظه‌های مهم و حیاتی در زندگی ویلیام فاکنر است. این اثر مستند به سه برهه از زندگی فاکنر می‌پردازد و سه بازیگر در نقش این نویسنده در دوره‌های مختلف زمانی مقابل دوربین می‌روند. اریك رابرتس بازیگر نامزد اسکار در نقش ویلیام فاکنر در دوره پایانی زندگی بازی می‌کند و کارگردانی فیلم را نیز مایکل موداك توران عهده‌دار است. وبسایت «آکسفورد ایگل» خبر داده که قرار است فیلمبرداری این مستند در هفته جاری به پایان برسد و مراحل تدوین آن نیز به‌زودی آغاز می‌شود.

چاپلین همان اندازه که بازیگر درخشانی بود، در کارگردانی هم استادی خود را به رخ می‌کشید

بلانسبت چاپلین!

چرا کمدین‌های ایرانی موقع کارگردانی در سینما به بیراهه می‌روند؟

گروه سینما

کمدین‌ها از نعمت و موهبت خنداندن ملت برخوردار هستند و بسیاری از مردم، خاطرات شیرینی از آنها در فیلم‌های مختلف دارند. در فیلم آخرین هورا یکی از ساخته‌های غیروسترن جان فورد، وقتی افراد زیادی به دیدن اسپنسر تریسی در نقش یك سیاستمدار سالخورده و در بستر احتضار می‌آیند، او خطاب به یکی از آنها که دوست شوخ و بذله‌گوی اوست، می‌گوید: «چطور می‌تونم از کسی که میلیونها بار من رو خندونده تشکر کنم؟» دیالوگی که می‌توان برای تجلیل ارزش و مقام کمدین‌ها از آن وام گرفت. بارها با نقش‌آفرینی‌های بامزه و نمکین کمدین‌های کلاسیك همچون چارلی چاپلین، باستر کیتون، هارولد لوید، لورل و هاردی، برادران مارکس، ابوت و کاستلو و دیگران و کمدین‌های متاخرتر چون لویی دوفونس، جری لوئیس، نورمن ویزدوم، وودی آلن، روان اتکینسون (مستر بین)، جیم کری و... خندیده یا به قول آن جمله کلیشه‌ای از خنده روده بر شده‌ایم. اتفاقی که در سینمای ایران هم بارها افتاده اما نه وقتی آقا و خانم بازیگر، هوس کارگردانی به سرشان زده باشد!

کمدین‌های سینمایی ایران، وقتی به عنوان کارگردان پشت دوربین فیلمسازی قرار می‌گیرند، انگار می‌خواهند وجه روشنفکرانه‌ای از خود بروز دهند که غالبا نتیجه موفقیت‌آمیز نیست

کمدی خوب به خیلی چیزها بستگی دارد و خنداندن تماشاگران عمدتا عبوس به خیلی عوامل ربط پیدا می‌کند. پیش از هر چیز البته نبوغ و استعداد کمدین به عنوان ستاره و بازیگر نقش اصلی فیلم است، اما این شرط کافی نیست و به جز این حتما باید متن و کارگردانی شایسته، جذاب و نمکینی هم برای خنده در کار باشد و دیگر نکات فنی فیلم هم به‌درستی رعایت شود، وگرنه درصورت نقصان و ضعف حتی یکی از این موارد هم قطعا چیزی در کمدی می‌لنگد و نمی‌تواند لبخند رضایت و تاثیرگذاری را بر لبان تماشاگر بنشاند.

اگر یك فیلم کمدی توانسته به موفقیت و ماندگاری برسد، حتما همه این موارد به درستی و در روندی استاندارد در آن لحاظ و رعایت شده و اگر هم یك کمدین توانسته سال‌ها در سینما بدرخشد و محبوب عام و خاص شود، به‌جز استعداد و نبوغ ذاتی، حتما عوامل مهم دیگری هم در این موفقیت سهیم بوده است و گروه کاردرستی هم طی سال‌ها و در فیلم‌های مختلف او را حمایت کرده‌اند.

گاهی برخی کمدین‌ها به جز بازی، استعداد کارگردانی و خلق یك فیلم سینمایی را هم دارند. آنها چون صاحب تفکر هستند و توان و جسارت فیلمسازی را هم دارند و آن را طی سال‌ها یا با تحصیل یا بنا به تجربه و حضور سر صحنه فیلم‌های مختلف آموخته‌اند، اراده می‌کنند و پشت دوربین می‌روند. موفق‌ترین نمونه قطعا چاپلین است که با نبوغ و استعدادی بی‌نظیر و مثال‌زدنی، همه‌کاره فیلم‌های خودش بود و به جز بازیگری، نویسندگی، کارگردانی، تهیه‌کنندگی و آهنگسازی بسیاری از آثار کارنامه‌اش را هم به‌عهده داشت.

چاپلین همان اندازه که بازیگر درخشانی بود، در کارگردانی هم استادی خود را به رخ می‌کشید. گفته‌اند که او کارگردان دیکتاتور و بسیار سختگیری هم بود و تا نقشه آن طور که می‌خواست درنمی‌آمد، رضایت نمی‌داد و بارها دستور به تکرار صحنه می‌داد. نتیجه این وسواس و سختگیری درست، شاهکارهایی چون پسربچه، جویندگان طلا، روشنایی‌های شهر، عصر جدید، دیکتاتور بزرگ و چند فیلم خوب و بسیاری فیلم‌های کوتاه درخشان دیگر بود. هرچقدر در سینمای جهان، می‌توان نمونه‌های موفقی یافت که کمدین‌ها در کارگردانی فیلم و در فیلمسازی سینمایی موفق بوده‌اند، در سینمای ایران اوضاع به شکلی مضحك خنده‌دار است. برخی کمدین‌های سینمای ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر، سراغ کارگردانی در سینما رفتند، آنها با وجود این‌که تجربه‌های موفقی در کارگردانی تلویزیون داشتند، اما در سینما کاری از پیش نبردند و عمدتا فیلم‌های آنها نتوانست به اندازه کارهای تلویزیونی آنها به‌ویژه نقش‌آفرینی‌های‌شان موفق باشد و رضایت تماشاگران را در پی داشته باشد.

این عدم موفقیت کمدین‌های وطنی در کارگردانی سینما دلایل مختلفی دارد. یکی این که آنها به اندازه مدیوم تلویزیون، در سینما سابقه فیلمسازی ندارند و شناختشان از سازوکار سینما به اندازه تلویزیون نیست. دیگر این‌که شاید استعداد آنها در فیلمسازی به اندازه بازیگری آنها در عرصه کمدی نباشد و نمی‌توانند به‌عنوان یك کارگردان، یك طرح را به‌درستی مدیریت کنند و به نتیجه‌ای دلخواه و موفق برسانند.

نکته مهم دیگر این‌که کمدین‌های سینمایی ایران، وقتی که به عنوان کارگردان پشت دوربین فیلمسازی قرار می‌گیرند، انگار می‌خواهند وجه روشنفکرانه‌ای از خود بروز دهند، بنابراین سعی می‌کنند از یك روایت ساده و صمیمی و نمکین فاصله بگیرند و جوری فیلم بسازند و حرف بزنند که آشنایی درست و کاملی با آن ندارند. آنها احتمالا به قصد خوشایند و جلب رضایت تماشاگران نخبه سینما و منتقدان، به راهی می‌روند که آنها را از اصالت خودشان دور می‌کند. نتیجه فیلم‌هایی الکن و غیرجذاب می‌شود که کمتر تماشاگری را خوش می‌آید. کمدین‌های کارگردان شده ما یا بیهوده سعی می‌کنند از یك کمدی نرمال و طبیعی فرار کنند یا تلاش دارند فیلمی متفاوت و نامتعارف بسازند که نتیجه هر دو معمولا شکست‌هایی نزدیك به فاجعه است. دلیل این وضع هم این است که کمتر چیزی در این آثار، سر جای خود قرار دارد و نقص و ضعف مواردی چون فیلمنامه، کارگردانی، بازی و... دست به دست هم می‌دهند تا ناکامی کمدین‌های فیلمساز شده ایران، تکمیل شود.

دیگر کمدین‌های کارگردان شده

مجید صالحی هم به عنوان یکی از کمدین‌های خوب تلویزیون و سینما، بتازگی سریالی را در شبکه نمایش خانگی کارگردانی کرده به نام سال‌های دور از خانه که اثر ضعیفی است. او برای اولین بار فیلمی هم در سینما کارگردانی کرده به نام زیرنظر با بازی عطاران و امیر جعفری. باید دید فیلم او موفق خواهد شد یا نه. سروش صحت هم که او را بیشتر به عنوان یك کمدین می‌شناسیم و چند تجربه موفق در کارگردانی تلویزیون دارد، برای اولین بار در سینما فیلمی ساخته به نام جهان با من برقص که در جشنواره جهانی فیلم فجر، موفقیت‌هایی به دست آورد و برای قضاوت درباره این‌که صحت چقدر موفقیتش در تلویزیون را در سینما هم تکرار می‌کند، باید به تماشای اثر نشست. غلامحسین لطفی، کمدین قدیمی هم در سینما دو فیلم کارگردانی کرده که یکی را سال ۵۷ ساخت و دیگری را سال ۷۴. اولی یك فیلم خوش ساخت به نام سرخپوست‌ها با بازی پرویز فنی‌زاده بود درباره سیاهی لشکرهای سینما که می‌توان آن را یك کمدی سیاه دانست و دومی هم فیلمی بود که برای اولین بار دو کمدین محبوب آن زمان یعنی اکبر عبدی و علیرضا خمسه را روبه‌روی هم قرار داد و تبدیل به کمدی پرفروشی شد.

خوابش می‌آد!

رضا عطاران، کمدین محبوب سینمای ایران است که بیشتر فیلم‌هایش به عنوان بازیگر در سال‌های اخیر با استقبال مخاطبان و موفقیت در گیشه همراه بوده است. هزارپا، مصادره، نهنگ عنبر و من سالوادور نیستم، بخش زیادی از موفقیت خود را مدیون حضور نمکین عطاران هستند. او سال‌ها قبل، استعداد خود در کارگردانی را هم نشان داد، البته در تلویزیون و با ساخت مجموعه‌هایی که جنس کمدی‌اش، واقعیت‌های روزمره اجتماع و طبقات فرودست بود. سریال‌هایی چون ترش و شیرین، بزنگاه، خانه به دوش و متهم گریخت که زمان پخش و حتی در نمایش‌های بعدی هم پربیننده بودند. این کمدین، وقتی سراغ کارگردانی در سینما رفت، سعی کرد چهره دیگری از خود به نمایش بگذارد، اما این فاصله گرفتن آگاهانه از آن نوع کمدی تلویزیونی، نتیجه مثبتی همراه نداشت و خوابم می‌آد، رد کارپت و دراکولا باوجود برخی لحظات خوب و بانمك و فروش نصفه و نیمه که طبیعتا به خاطر نام و حضور خود عطاران به عنوان بازیگر بود، فاصله زیادی با شاهکارهای این کمدین چه کارهایش به عنوان بازیگر و چه ساخته‌های موفق تلویزیونی‌اش دارند.

ساعت پنج صبح!

او بدون شك، سلطان کمدی تلویزیونی در ایران است و موفق شده انقلابی در کمدی‌های این مدیوم در کشور به وجود بیاورد. اگر یادتان باشد، کمدی پیش از مدیری، بیشتر متکی به شوخی‌های کلامی بود و بیشترشان نمونه‌های ضعیف‌تر صبح جمعه با شما بود، اما مدیری ابتدا با کمدی آیتمی و بعدها با ساخت مجموعه‌هایی تماشایی، تعریف جدیدی از طنز در تلویزیون ما ارائه کرد. او به یك مرجع و منبع محبوب و موثق در کمدی تلویزیونی تبدیل شد و تنها با ورود عطاران به عرصه کارگردانی تلویزیون بود که انحصار مدیری در این زمینه کمی محدودتر شد.

با این حال مهران مدیری در سینما، فقط یك بار پشت دوربین کارگردانی قرار گرفته و همین سه سال پیش فیلمی به نام ساعت پنج عصر ساخت که به هیچ وجه انتظارها را از او برآورده نکرد. اگرچه فیلم، به نوعی در حال‌وهوای برخی کارهای تلویزیونی مدیری بود و باز هم سیامك انصاری، نقش اصلی اثر را به عهده داشت، اما اینجا هم کمدین محبوب ما، دچار همان آفتی شد که دیگرانی چون او گرفتارش شدند. او خواست وجهی متفکرانه و اجتماعی به فیلمش سنجاق کند، اما نتیجه این دست به عصا راه رفتن و چراغ سبز به برخی منتقدان و تماشاگران نخبه تر سینما، ساعت پنج عصر را به فیلمی نه‌چندان دوست داشتنی تبدیل کرد. مدیری در حوالی نمایش عمومی ساعت پنج عصر، خبر از ساخت یك فیلم با موضوع جنگ هم داده بود؛ فیلمی غیرکمدی و در فضایی جدی. همین اظهارنظر باز هم نشانی از مدیری همیشگی به عنوان یك کمدین در خود ندارد و شاید پس از تماشای ساعت پنج عصر هم چندان نتوان به آن فیلم بعدی هم امید داشت.

لامپ سوخته

سعید آقاخانی را پیشترها به عنوان یك کمدین خوب می‌شناختیم. بازی او در مجموعه محبوب و خاطره‌انگیز ساعت خوش به‌ویژه در آیتم سعید و خان دایی به‌خوبی در ذهن مخاطبان مانده است. آقاخانی همان‌طور که به بازی در فیلم و سریال‌های کمدی ادامه می‌داد، سراغ کارگردانی کمدی در تلویزیون هم رفت و تقریبا با حال و هوای کمدی‌های تلویزیونی رضا عطاران، مجموعه‌های موفق و پربیننده‌ای چون زن بابا، راه درو، خوش‌نشین‌ها و دزد و پلیس را ساخت. اما این کمدین در سال‌های اخیر، تقریبا تغییر رویه داد و از کمدی فاصله گرفت. این دورشدن از کمدی و خنده، به‌ویژه در بازیگری سینما خودش را نشان داد و آقاخانی، در آثاری چون خداحافظی طولانی، آباجان، کامیون، بنفشه آفریقایی و قسم، وجه دیگری از توانایی‌هایش را به نمایش گذاشت.

آقاخانی هم وقتی برای نخستین بار سراغ کارگردانی در سینما رفت، فیلمی ساخت که نشانی از کمدی نداشت و قصه‌ای با موضوع اعتیاد و مواد مخدر را روایت کرد. لامپ ۱۰۰ در لحظاتی تاثیرگذار بود، اما در کل، جایگاه مهمی در کارنامه آقاخانی ندارد.

با این همه بی‌اعتنایی به پیشینه کمدی، خوشبختانه ارتباط آقاخانی به‌طور کامل با کمدی و خنده قطع نشده و ما را همچنان امیدوار نگاه داشته است. بازی بامزه او در رحمان ۱۴۰۰ و ساخت مجموعه کمدی نون خ و بازی نمکین‌اش در همین سریال، نشان می‌دهد این کمدین همچنان علقه‌هایی به کمدی و آثار خنده‌دار دارد.

ورود کمدین‌ها ممنوع

رامبد جوان شاید تنها کمدینی باشد که دست‌کم یك فیلم کمدی خوب و جذاب در سینما ساخته است. فیلم ورود آقایان ممنوع او نشان می‌دهد که اگر کمدین‌های کارگردان شده ما بخواهند فیلم کمدی درست و درمان و بامزه‌ای بسازند، این ظرفیت و استعداد را دارند. ورود آقایان ممنوع، همه‌چیزش از متن و کارگردانی و بازی‌ها درست و حساب شده بود و به دل تماشاگران هم نشست. حتی برخی منتقدان و تماشاگران خاص سینما هم که معمولا به فیلم‌های کمدی ایرانی روی خوش نشان نمی‌دهند با فیلم همراه شدند و خندیدند. اما دیگر کارهای جوان در سینما مثل اسپاگتی در هشت دقیقه و پسر آدم دختر حوا و قانون مورفی، باوجود برخی لحظات بامزه، در مجموع امیدوارکننده نبودند. فیلم نگار او هم که باوجود این‌که فضایی متفاوت و جسورانه داشت، اما چون اینجا و در بحث مدنظر ما، ردپایی از یك کمدین نداشت، امتیاز مثبتی برای جوان به حساب نمی‌آید.

زهرمار!

تماشاگر از سیدجواد رضویان که گلوله نمك است، انتظار دارد کمدی و خنده ببیند. او در فیلم و سریال‌هایی که به عنوان کمدین در آنها حضور داشته، این کار را کرده است، اما در فیلمی که کارگردانی کرده یعنی زهرمار-که این روزها بر پرده سینماهاست-تقریبا هر کاری کرده که تماشاگر نخندد.

شاید بدبینانه باشد، اما احتمالا با یك نوع خیانت سینمایی طرف هستیم. تماشاگر تقریبا در پوستر و تبلیغات و به‌ویژه در کارنامه کارگردان، با عناصر برجسته کمدی روبه‌روست و با همین توقع هم به سینما می‌رود، اما فیلمی می‌بیند که ادعای نقد اجتماعی دارد. اما فیلم در نهایت نه نقد اجتماعی است و نه یك کمدی خوب و خنده‌دار. اثری است بلاتکلیف و فراموش‌شدنی.

اگر رضویان بخواهد در فیلمسازی همین رویه را دنبال کند، طرفدارانش را به عنوان یك کمدین کارگردان شده، ناامید خواهد کرد. هرچند این سرخوردگی همین حالا و با زهرمار هم کلید خورده است.

نکته اینجاست که اگر رضویان، واقعا یك فیلم اجتماعی موفق می‌ساخت، هیچ ایرادی وجود نداشت و حتی تحسین مخاطبان و منتقدان را هم در پی داشت و در آن صورت فقط دلخوری ما از دورشدن از کمدی، کماکان پابرجا بود!